



مطالعه نشانه‌شناسی جنسیت زن در نقوش سنگ‌قبرهای استان گلستان

فاطمه رقیمی^۱ ID، محمدعلی خبری^۲ ID*، محمد عارف^۳ ID

^۱ گروه تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. fraghimi83@gmail.com

^۲ (نویسنده مسئول) استادیار گروه پژوهش هنر، جهاد دانشگاهی، تهران، ایران. ma.khabari@gmail.com

^۳ دانشیار گروه نمایش، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. m.aref@iauctb.ac.ir

چکیده

مرگ به‌عنوان حقیقتی تأثیرگذار در زندگی انسان‌ها همواره منجر به شکل‌گیری ارزش‌های فرهنگی مختلفی شده است. بخشی از بنیادهای فکری جامعه در رفتارهای مرتبط با مرگ، از جمله روش‌های تدفین، سوگواری، سنگ‌قبرها و نشانه‌گذاری روی آن‌ها نهفته شده است که در استان گلستان نیز مورد توجه بوده است. هدف این پژوهش، نشان‌شناسی نمادهای مرتبط با زنان بر روی سنگ‌قبرهای استان گلستان است. این علائم با الگوی نشانه‌شناسی پیرس که نشانه‌ها را به سه دسته شمایی، نمایه‌ای و نمادین تقسیم‌بندی کرده، مورد تحلیل قرار گرفته است. این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که نشانه‌های شمایی، نمایه‌ای و نمادین جنسیت زن چگونه بر روی سنگ‌قبرهای استان گلستان تصویر شده است؟ و این نشانه‌ها دارای چه مفاهیمی هستند؟ روش تحقیق به شیوه توصیفی-تحلیلی بوده و گردآوری اطلاعات به‌صورت مطالعه کتابخانه‌ای و مشاهده میدانی انجام گرفته است. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که نشانه‌های شمایی در سنگ‌قبرهای زنان به دلیل منع مذهبی استفاده نشده است و بیشتر از نشانه‌های نمایه‌ای و نمادین که بیانگر شخصیت، شغل و مذهب فرد متوفی است و دارای بار معنایی فرهنگی می‌باشند، استفاده شده است.

اهداف پژوهش:

۱. بازشناسی نقوش مقبره زنان در استان گلستان.
۲. بررسی علل اجتماعی، مذهبی و اجتماعی نقوش سنگ‌قبرهای زنان استان گلستان.

سؤالات پژوهش:

۱. در مقبره زنان در استان گلستان از چه نقوشی استفاده شده است؟
۲. نشانه‌شناسی جنسیت زن در نقوش سنگ‌قبرهای استان گلستان حاکی از چیست؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۵۱

دوره ۲۰

صفحه ۲۳۹ الی ۲۵۷

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۲/۰۲/۱۲

تاریخ داوری: ۱۴۰۲/۰۴/۱۷

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۹/۰۱

کلمات کلیدی

استان گلستان،

نشانه‌شناسی،

فرهنگ،

سنگ قبر،

جنسیت زن.

ارجاع به این مقاله

رقیمی، فاطمه، خبری، محمدعلی، محمد عارف، محمد. (۱۴۰۲). مطالعه نشانه

شناسی جنسیت زن در نقوش سنگ

قبرهای استان گلستان. مطالعات هنر

اسلامی، ۲۰(۵۱)، ۲۳۹-۲۵۷.



dorl.net/dor/20.1001.1.*

***** ** ** ** */



dx.doi.org/10.22034/IAS

.۲۰۲۳.۴۰۴۱۶.۲۳۳۴

مقدمه

روبه‌رو شدن با مسئله مرگ، باعث به‌وجود آمدن آداب اجتماعی مذهبی و استفاده از نشانه‌ها و متون مرتبط با یادمان مرگ شده است. سنگ‌قبرها از بارزترین یادمان‌هایی است که برای انسان خفته در خاک ساخته می‌شوند. از گذشته تا کنون، بر روی سنگ‌قبرها چه به‌صورت خطی و چه به‌صورت تصویری نشانه‌گذاری انجام می‌شود تا راهی برای آشنایی با اندیشه و فرهنگ و اعتقادات شخص متوفی باشد. استفاده از نقوش در قالب نشانه بر روی سنگ‌قبرها امری بسیار رایج بوده است. این نشانه‌ها شامل نقوش گیاهی، حیوانی، انسانی، ابزار و وسایل، هندسی و کتیبه‌نگاری بوده‌اند. استفاده از این نقوش در ابتدا احتمالاً به دلیل بی‌سوادی عامه مردم و عدم توانایی خواندن نوشته‌های روی سنگ‌قبرها ایجاد شده است (صفی‌خانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۵). یکی دیگر از نشانه‌های قابل توجه در سنگ‌قبرها تفکیک جنسیتی است و اینکه چگونه می‌توان زن و یا مرد بودن فرد متوفی را براساس نشانه‌های غیرزبانی بر روی سنگ‌قبرها نشان داد.

در پژوهش پیش رو علاوه بر بررسی نشانه‌های جنسیت زن بر روی سنگ‌قبرهای استان گلستان، تحلیل نشانه‌ها از منظر نظریه نشانه‌شناسی پیرس می‌باشد. چارلز سندرس پیرس پدر فلسفه علمی و منطق‌دان برجسته آمریکایی که خود از اندیشه‌های جان لاک تأثیر پذیرفته است، نشانه‌شناسی را شاخه‌ای از منطق می‌داند که در آن دانش نشانه‌ها بررسی می‌شود. از نظر او نشانه‌شناسی روندی است که در آن ارتباطی به‌وسیله نشانه‌ها برقرار می‌شود. به بیان ساده، پیرس پیوند میان ذهن آدمی و جهان خارج یا فرایند دانستن را به سه طریق شمایی، نمایه‌ای و نمادین می‌داند. پرسش اصلی پژوهش این است که از نظر تاریخی، نشانه‌های مرتبط با جنسیت زن در سنگ‌قبرها به چه شکل بوده و این نشانه‌ها دارای چه مفاهیمی هستند؟ برای پاسخ به این پرسش از تحلیل نشانه‌شناسی پیرس بهره گرفته شده است. در ابتدا، به نقوش به‌کار رفته در سنگ‌قبرهای استان گلستان و نشانه‌های جنسیت زن بر روی سنگ‌قبرها اشاره خواهد شد و پس از آن، به تحلیل نمونه سنگ‌قبرهای تصویری پرداخته و پس از بررسی موارد فوق، در نهایت، نتیجه نهایی ارائه می‌شود.

این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده که در آن مطالعه نشانه‌شناسی جنسیت زن در نقوش سنگ‌قبرهای استان گلستان با رویکرد نشانه‌شناسی و الگوی چالرز سندرس پیرس صورت گرفته است. ابزار گردآوری داده‌ها از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و مشاهده میدانی می‌باشد که از منابع مکتوب و مشاهده و عکس‌برداری بهره برده شده است. جامعه آماری و قلمرو مکانی این پژوهش به‌صورت میدانی، شامل منطقه استان گلستان و قبرستان‌های دوره اسلامی آن می‌باشد. از بین سنگ‌قبرهای ۳ قبرستان و موزه باستان‌شناسی گرگان، حدود ۲۰۰ نمونه عکس‌برداری شد که ۱۲ مورد آن که در رابطه با جنسیت زن بود مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت.

با بررسی دقیق و جست‌وجو در پژوهش‌های مختلف، مشخص شد که تاکنون مطالعه‌ای مستقل در رابطه با موضوع مقاله حاضر صورت نگرفته است. با این حال، می‌توان از برخی منابعی که در حوزه نشانه‌شناسی سنگ‌قبرها نگاشته شده‌اند برای پیشبرد این مقاله اشاره کرد. مقاله «درآمدی بر نحوه شکل‌گیری نقوش در سنگ‌گورهای منطقه

سفیدچاه» نوشته اعظم‌زاده و پورمند (۱۳۸۸)، درباره نشانه‌های تصویری و اعتقادات در شکل‌گیری این نقوش صحبت می‌کند و به پیشینه کهن آن‌ها در قبل و بعد از اسلام در منطقه می‌پردازد. مقاله «بازتاب نمادها و نشانه‌های شغلی در سنگ قبور ارامنه» نوشته براتی و افروغ (۱۳۹۰)، نمادهای شغلی ارامنه بر روی سنگ‌قبرهای موجود در جلغای اصفهان را مورد بررسی قرار داده است. در مقاله «نشانه‌شناسی نقوش سنگ قبور قبرستان تخت‌فولاد اصفهان (با تأکید بر نقوش حیوانی شیر و ماهی)» صفی‌خانی و همکاران (۱۳۹۳)، به بررسی نقوش حیوانی، انسانی و انتزاعی سنگ‌قبرهای این قبرستان پرداخته‌اند. رحمانی و قربانی (۱۳۹۳)، در مقاله «نشانه‌شناسی فرهنگی نقوش سنگ قبور: با تأکید بر نقش شانه در تخت‌فولاد اصفهان» به نشانه‌شناسی نقش شانه با توجه به نظریات فردینان دو سوسور اشاره نموده است که در آن در پی فهم دلالت‌های فرهنگی و مذهبی نقش شانه است. بلال شانواز (۱۳۹۵)، در مقاله «بازشناسی سنگ قبور تاریخی زنان در گورستان شهر دلبران» به بررسی نقوش و کتیبه‌های سنگ‌قبرهای زنان می‌پردازد و اشاره می‌کند که تفاوتی از لحاظ نقش و نوشته در سنگ‌قبرهای زنان و مردان وجود ندارد.

۱. نشانه‌شناسی

گرچه ریشه‌های نشانه‌شناسی در تاریخ به افلاطون و اگوستین برمی‌گردد، اما نشانه‌شناسی به‌عنوان یک تئوری مستقل در آغاز قرن بیستم در نوشته‌های چارلز سندرس پیرس و فردینان دو سوسور مطرح شد. نشانه‌شناسی سعی دارد تا به گروه‌بندی مختلفی برای نشانه‌ها دست پیدا کند و انواع مختلف نشانه‌ای را از نظر ویژگی و قوانین مناسب و شایسته سازمان‌بندی و فرایندهای خاص دلالت مشخص کند و راهکاری برای شناخت معنا یا معنای اثر باشد.

نشانه‌شناسی را باید نوعی دانش و درک و دریافت پدیده‌های جهان دانست که از طریق خوانش علائم و نشانه‌ها حاصل می‌آید. در این چارچوب می‌توان جهان را منظومه‌ای از مناسبات تلقی نمود که واحد اصلی آن را نشانه تشکیل می‌دهد (ضیمران، ۱۳۸۳: ۱۲۵). نشانه‌شناسی یکی از روش‌های تحلیل متن است که در پی تحلیل متون در حکم کلیت‌های ساختمند و در جستجوی معنای پنهان و ضمنی می‌باشد (چندلر، ۱۴۰۰: ۲۹). موضوع یک تحقیق نشانه‌شناسی لزوماً یک چیز خاص نیست. این موضوع می‌تواند هر چیزی باشد؛ یک بنا، یک متن ادبی، یک اسطوره، یک نقاشی و یا یک فیلم. هر چیزی در قالب یک نظام نشانه‌ای که بر اساس کدها و قراردادهای اجتماعی و یا فرایندهای دلالت طبقه‌بندی می‌شود، می‌تواند موضوع یک تحقیق نشانه‌شناختی قرار بگیرد (دینه سن، ۱۳۹۰: ۸).

چارلز سندرس پیرس (۱۸۳۹-۱۹۱۴ م.) فیلسوف آمریکایی، یکی از بنیان‌گذاران نشانه‌شناسی است. او اولین شخصی است که به طبقه‌بندی نشانه‌ها پرداخته است. یکی از تقسیم‌بندی‌های پیرس براساس رابطه بین نشانه و ابژه، سه نوع شماییلی، نمایه‌ای و نمادین می‌باشد (مهرگان، ۱۳۸۵: ۱۳۷). در نشانه‌های شماییلی رابطه بین دال و مدلول مبتنی بر تشابه است یعنی دال از برخی جهات مشابه مدلول است و برخی کیفیت‌های آن را دارد (سجودی، ۱۳۹۸: ۹۰). پیرس در نهایت مناسبت نشانه شماییلی و موضوع را به تأویل مخاطب وابسته می‌داند و اظهار می‌کند که همانندی شکل و معنا را نه از راه شکل بلکه از راه تأویل است که می‌توان درک کرد، در نتیجه تعیین‌های فرهنگی اهمیت می‌یابند مانند

نقاشی چهره و یا تقلید صدا (مهرگان، ۱۳۸۵: ۱۳۹). دال در نشانه‌های نمایه‌ای به‌طور مستقیم (فیزیکی یا علی) به مدلول وابسته است. ارتباط بر اساس شباهت صرف نیست و نمایه‌ها هیچ شباهت مهمی با موضوعشان ندارند و به‌طور کلی عملکرد نمایه‌ها به مجاورت بستگی دارد نه مشابهت با فرایندهای ذهنی مانند علائم بیماری‌ها (چندلر، ۱۴۰۰: ۷۳). در نشانه‌های نمادین دال مشابه مدلول نیست بلکه براساس یک رابطه قراردادی به مدلول دلالت می‌کند مانند زبان و یا چراغ‌راهنمایی؛ بنابراین می‌توان گفت که دال‌های شمایی و نمایه‌ای بیشتر در قید مدلول خود هستند؛ درحالی‌که نشانه‌های نمادین بیشتر قراردادی‌اند و مدلول‌ها به‌واسطه دال‌ها تعریف می‌شوند، در نتیجه برای خوانش و دریافت نشانه ضرورت بیشتری برای یادگیری قرارداد توافقی وجود دارد (سجودی، ۱۳۹۸: ۱۳۲ و ۸۹).

اهمیت کار پیرس در مقابل فردینان دو سوسور نشانه‌شناس دیگر، این است که نشانه را با تصاویر مطرح می‌کند نه با کارکردهای زبانی. همچنین بر خلاف سوسور که تنها به جنبه نمادین نشانه توجه داشت و جنبه‌های دیگر را در نظر نمی‌گرفت، کامل‌ترین نشانه را ترکیبی از سه جنبه شمایی، نمایه‌ای و نمادین می‌دانست (احمدی، ۱۴۰۰: ۴۵).

قبرستان‌ها و سنگ قبرها یکی از مهم‌ترین داده‌های باستانی جهت پی‌بردن به ابعاد مختلف زندگی بشر می‌باشند که نشان‌دهنده عقاید، فرهنگ، و هنر حجاران و مردمان دوره‌های گذشته هستند. نقوش به‌کار رفته صرفاً جنبه تزئینی نداشته و باتوجه‌به نگرش‌های آیینی و مذهبی و تأثیر آداب و سنن بوده است که با شناخت و رمزگشایی و دریافت مفاهیم پنهان این نقوش، می‌توان به ریشه تفکرات گذشتگان پی برد که بیانگر فرهنگ غنی و پر بار مردمان هر منطقه و کشوری می‌باشند؛ بنابراین در این مقاله سعی خواهد شد با مطالعه و تحلیل نقوش حک شده بر سنگ‌قبرهای استان گلستان با تأکید بر جنسیت زن و با استفاده از رویکرد نشانه‌شناسی پیرس که روشی مفید و امکان‌پذیر برای تحلیل تمامی نظام‌های نشانه‌ای که حاوی معانی فرهنگی و دارای چارچوب مرجع و مستقل و بسیار گسترده‌ای هستند که هر نوع بررسی را دربر می‌گیرد، به تحلیل نقوش منطقه پرداخته شود. به اعتقاد پیرس، نشانه‌شناسی از این جهت اهمیت دارد که با بررسی نشانه‌ها می‌توان ارتباط و به نوعی رشد معرفت بشری را ایجاد کرد. نشانه‌ها به نظر او تنها ابزار ارتباطی و ارتباطی تنها به کمک نشانه‌ها صورت می‌گیرد.

۲. محدوده مطالعاتی

شمال ایران یکی از مراکز مهم محسوب می‌شود که بخشی از تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران را در دل خود جای داده است. استان گلستان نیز که بخشی از شمال ایران را تشکیل می‌دهد، به سهم خود حامل و ناقل بسیاری از عناصر تاریخی و فرهنگی مردم منطقه به‌شمار می‌آید که با تاریخ ملی و عمومی مردم ایران پیوند خورده است. قومیت‌های مختلفی با آداب و رسوم مختلف نظیر ترک‌ها، محلی‌های اولیه، شاهرودی‌ها، سبزواری‌ها، سیستانی‌ها، بلوچ‌ها، ترکمن‌ها، قزاق‌ها و دیگر اقوام در این استان سکونت دارند (معطوفی، ۱۳۸۷: ۱۲).

استان گلستان باتوجه‌به قدمت تاریخی و کهن خود، دارای قبرستان‌های متعددی است که بیشتر مربوط به دوره اسلامی می‌باشند. در قبرستان‌های استان گلستان، سنگ قبرها به شکل‌های میله‌ای (استوانه‌ای)، کله قوچی، صورت

ایستا (عمودی) و صندوقی دیده می‌شوند که هرکدام از این سنگ‌ها نسبت به شأن اجتماعی، جایگاه طبقاتی، تمایز اجتماعی شخص متوفی، از نظر حجم، وزن، شکل، اندازه، کوتاهی و بلندی، نازکی و ضخامت، نوع خط، نقش و به‌کارگیری نمادهای هنری، متفاوت بوده‌اند.

۳. نقوش به‌کار رفته در قبرستان‌های استان گلستان

نقوش به‌کار رفته بر روی سنگ‌قبرهای استان گلستان را می‌توان به شش گروه گیاهی، حیوانی، انسانی، ابزار و وسایل، هندسی و انتزاعی و کتیبه‌نگاری تقسیم کرد که در ادامه به بیان مفاهیم انواع این نقوش پرداخته می‌شود:

۳.۱. نقوش گیاهی

نقوش گیاهی یکی از کهن‌ترین موضوع‌های مورد علاقه آدمی بوده که در تمام دست‌ساخته‌هایش می‌توان آن را مشاهده کرد. خاصیت شفابخشی و درمانگری نهفته در گیاهان نیز به آن‌ها جنبه حیات‌بخشی داده است که از این نظر هم، گیاهان همواره مورد احترام و توجه بوده‌اند. از این‌رو، انواع نقشمایه‌های گیاهی در سنگ‌قبرها مشاهده می‌شود.

بین انواع نقوش گیاهی، نقش گل چند پر و درخت سرو به‌صورت ایستاده و خمیده، از رایج‌ترین نقوش است. درخت سرو، درخت همیشه سبز است. شاید ماهیت سرزندگی و جاودانگی آن، موجب تقدس درخت سرو شده است. در فرهنگ و هنر ایرانی درخت سرو جایگاه ویژه‌ای دارد و همواره در طول تاریخ مورد احترام ایرانیان بوده و با اساطیر، نمادهای مقدس و آیین‌های مختلف همراه بوده است. (تصویر ۱)



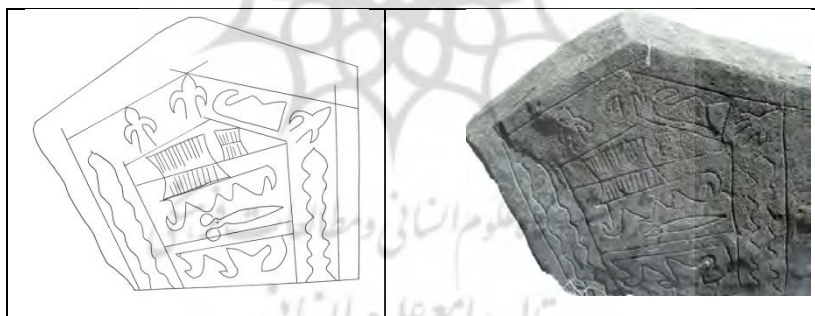
تصویر ۱. نقش گل، قبرستان آق امام بندرت‌رکمن، سال ۹۴۷ ه.ق، محل نگهداری: موزه باستان‌شناسی گرگان (نگارنده)

سرو مانند دیگر درختان همیشه سبز، نماد جاودانگی یعنی حیات پس از مرگ است و به همین علت در کنار قبرها مشاهده می‌شود. این درخت مربوط به امور تدفینی بود که بدن را پس از مرگ از فساد حفظ می‌کرد و چون آن را قطع می‌کردند، می‌مرد و شاخ و برگ سیاه آن نماد مرگ به‌شمار می‌آمد. سرو بر روی یادمان‌های میراثی هم حضور داشت

که تعداد هفت سرو نشان از هفت سیاره‌ای بود که روح در سفر خود به سوی آسمان‌ها از آن‌ها می‌گذرد (هال، ۱۳۹۸: ۲۹۳).

برای مسلمانان شیعه، درخت که از خاک و آب تغذیه می‌کند و از آسمان هفتم می‌گذرد، نشانه حقیقت است یعنی بازگشت به مرحله ازلی و جایی که عارف به حقیقت غایی می‌رسد. تقدس درخت از این جهت است که قائم است، رشد می‌کند، برگ‌هایش را از دست می‌دهد و دوباره آن‌ها را به‌دست می‌آورد. زنده شدن، مردن، و دوباره حیات یافتن (شوالیه و گربران، ۱۴۰۰: ۱۸۷).

شکل‌گیری این نقش بر روی سنگ‌قبرها متأثر از طبیعت و محیط پیرامون هنرمند حجار بوده است که در اثر کاربرد مداوم به مرور زمان از صورت طبیعی خود که در ذهن هنرمند و حتی بیننده وجود داشته، خارج شده و به‌صورت ساده و خطی در آمده است. این نقوش می‌توانند به خصوصیات انسانی و نیکویی فرد متوفی اشاره داشته باشد که برای ایرانی‌ها نیز نماد جاودانگی و فنا ناپذیری روح معنا می‌دهد. همچنین بیانگر پایداری و نامیرایی فرد متوفی در دل و ذهن بازماندگان است. نقش سرو در سنگ‌قبرهای استان گلستان در فرم‌های مختلف و متنوع با خطوطی بسیار ساده و ابتدایی، گاه به‌صورت تنها و گاه با تکرار، زمینه خود را زینت بخشیده است. در برخی از سنگ‌قبرها، درخت و محراب در کنار هم یک فضای قدسی را به‌وجود می‌آورند که می‌توان گفت به‌نوعی بیانگر بهشت هستند یا اگر درخت را تمثالی از انسان بیان کنیم، گویی هنرمند مسلمان، انسان را درون محراب عبادت ترسیم کرده است. (تصویر ۲)



تصویر ۲. نقش درخت سرو و گل انار، قبرستان امامزاده حبیب‌الله بندرگز، بدون تاریخ (نگارنده)

۳،۲. نقوش حیوانی

نقوش حیوانی در سنگ‌قبرها از سویی با اساطیر کهن ایرانی و ادبیات داستانی ارتباط دارند و از طرفی با فرهنگ و تمدن اسلامی و باورهای عامیانه در ارتباط هستند. نقوش حیوانی گاه به‌صورت تنها و گاه به‌صورت جمعی به‌کار گرفته شده‌اند.

در میان سنگ‌قبرهای استان گلستان، نقوش حیوانی همچون پرندگان در حال پرواز، فک خزری و اسب به چشم می‌خورد. پرندگان در حال پرواز در اینجا بین گل‌ها و گیاهان تصویر شده‌اند که می‌توان گفت پرنده نماد روح فرد متوفی است که در میان گل‌ها و گیاهان بهشتی قرار گرفته است. در فرهنگ و ادبیات عرفانی پرنده نماد روح مطلق

است که سرگشته به دنبال منزلگاه ابدی خود می‌گردد و با مفاهیم مرگ و حیات جاودانه مرتبط است (سبحانی، ۱۳۹۳: ۶۹۷). بر پایه همین تعالیم عرفانی و مفاهیم اساطیری، نقوش حیوانی مختلفی بر روی سنگ‌قبرها حجاری شده‌اند. (تصویر ۳)



تصویر ۳. نقش پرنده، قبرستان امامزاده حبیب‌الله بندرگز، بدون تاریخ (نگارنده)

۳،۳. نقوش انسانی

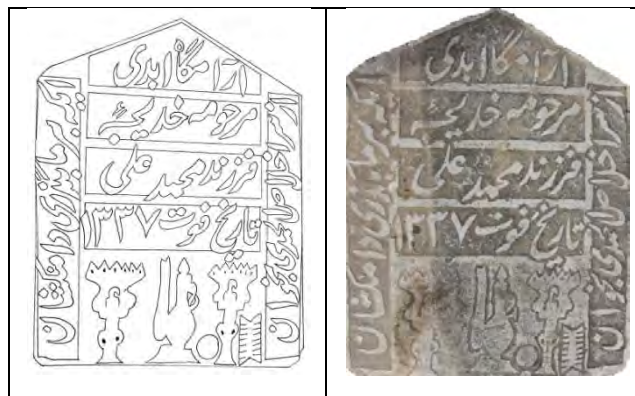
تصاویر انسانی از جمله نقوشی هستند که در ایران باستان در هنرهای مختلف به‌ویژه حجاری بر روی سنگ انجام می‌شده است ولی با آغاز دوره اسلامی نقوش موجودات زنده به‌ویژه نقوش انسانی با منع تصویری روبه‌رو شد. نقش کردن انسان با محدودیت‌هایی چون شباهت‌سازی و شخصیت‌پردازی، زاویه دید و جنسیت مواجه بوده است. بر روی سنگ‌قبرهای دوره صفویه و دوره‌های قبل از آن، نقوش انسانی وجود ندارد اما با شروع حکومت قاجار مانند دیگر حوزه‌های هنری و متأثر از قبرهای تصویری شاهان و شاهزادگان قاجاری، سنگ‌قبرهای ایران با تصاویر انسانی، تزئینات ظریف، خطوط نفیس و حجاری‌های استادانه ساخته شده‌اند (تناولی، ۱۳۸۸: ۱۱۱).

برخی از نقوش انسانی حک شده بر روی سنگ‌قبرها تنها جنبه اطلاع‌رسانی دارند و هنرمند با برخوردی مستقیم و عینی سعی داشته تا اطلاعات مربوط به شخص متوفی را به نمایش درآورد. در نقش کردن اشخاص عادی دقت و ظرافت کم‌تری در حجاری لحاظ شده است، همچنین از دیگر مشخصه‌های نقوش انسانی آن است که فقط به تصویر مردان پرداخته شده و هیچ‌جا نمی‌توان نقش زنان را بر روی این سنگ‌قبرها مشاهده کرد.

۳،۴. نقوش ابزار و وسایل

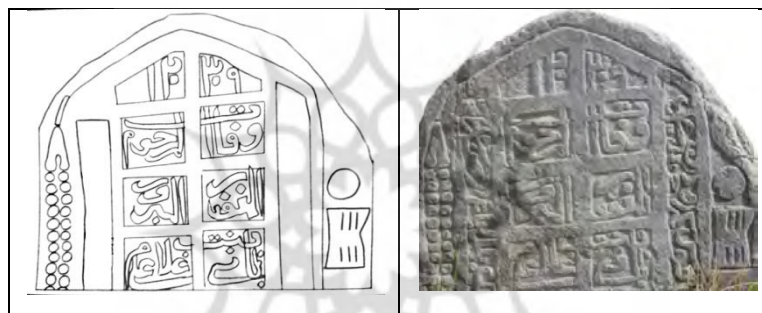
باورها و آیین‌های مرتبط با مرگ و زندگی آنچنان فراگیر و پر اهمیت هستند که در گذر تاریخی نه‌تنها فراموش نشده‌اند بلکه با شکل‌ها و مؤلفه‌های تازه، هنوز در میان جوامع بشری و فرهنگ ایرانی، وجود دارند. اگرچه به علت تغییرات دینی و فرهنگی نوع نگاه و عمل به این اعتقادات اساطیری و کهن تغییر کرده، اما حجاری وسایل شخصی متوفی بر روی سنگ‌قبر در امتداد همان تفکرات اولیه بشری است. همچنین ابزار شخصی به جنسیت متوفی هم اشاره دارد.

در قبرستان‌های استان گلستان، وسایل شخصی همچون گلاب‌پاش، شانه، مهر و تسبیح، قیچی، شمشیر، تفنگ و چاقو بر روی برخی از سنگ‌قبرها نقش بسته است که نشان از دلبستگی و باورهای متوفی دارند. (تصویر ۴)



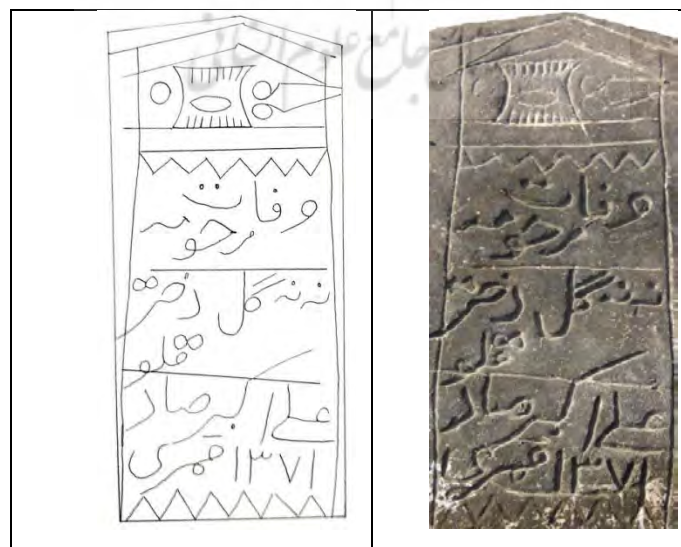
تصویر ۴. نقش گلاب پاش و چراغ، قبرستان امامزاده عبدالله گرگان، سال ۱۳۳۷ ه.ق (نگارنده)

مهر و تسبیح از جمله اشیاء مذهبی نقش شده بر روی قبرهاست که نشانه‌ایمان مذهبی و حالات معنوی فرد متوفی در زمان حیاتش است. (تصویر ۵)



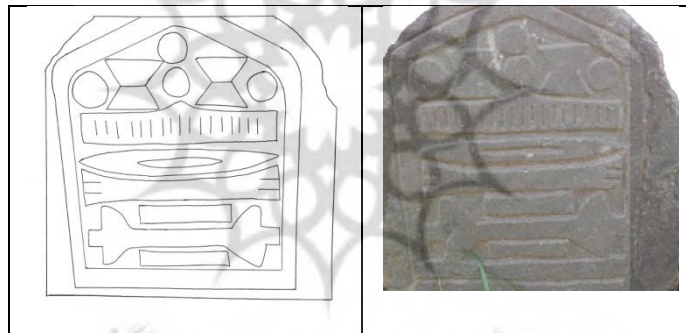
تصویر ۵. نقش مهر و تسبیح، قبرستان الازمن فاضل‌آباد، سال ۱۲۳۹ ه.ق (نگارنده)

غالباً این نقش در کنار آئینه و شانه می‌آید. صاحب قبر و شانه موی سر نشانه‌ی پاکی و آراستگی است که هرگاه آن شانه یک پهلو باشد صاحب قبر، مرد و اگر دو پهلو باشد، زن بوده است. این نقوش می‌تواند بیانگر استمرار عبادت در جهان پس مرگ نیز باشد. (تصویر ۶)



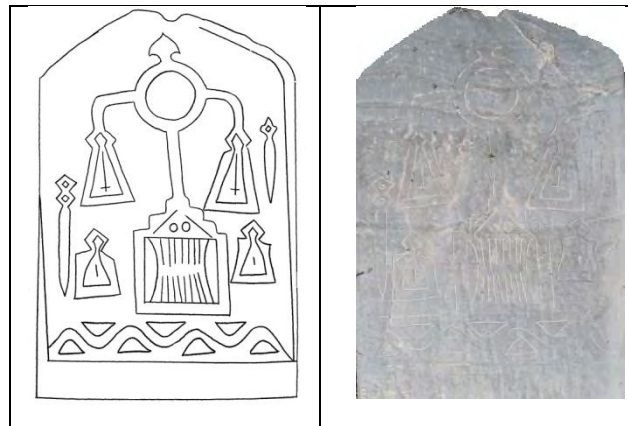
تصویر ۶. نقش شانه دو پهلو، قبرستان امامزاده حبیب‌الله بندرگز، سال ۱۳۷۱ ه.ق (نگارنده)

در گذشته‌هایی نه‌چندان دور، افراد با شغل‌هایشان مشهور بودند و شاید یک شغل، نسل به نسل می‌گشته و حالت موروثی داشته است و در گذشته‌ای که سطح سواد مردم پایین بوده و همه قشرهای جامعه، سواد خواندن و نوشتن نداشتند، آدرس قبرها را از روی نقوش حک شده بر روی سنگ‌قبرها به راحتی پیدا می‌کردند. بعدها این کار کم‌کم تبدیل به یک رسم شد و حجاران به درخواست اطرافیان متوفی نقشی را که با شغل او مرتبط بود بر روی سنگ قبرش حک می‌کردند؛ نقوش ساده شده‌ای که در نهایت صراحتشان بیانگر شغل متوفی بود. در دین اسلام کار هم عبادت به حساب می‌آید و شاید به همین علت ابزار کار فرد متوفی را درون سنگ‌قبرهای محرابی شکل ترسیم می‌کرده‌اند که نشان دهند پس از مرگ هم انسان در حال عبادت است. در این قبرستان‌ها، سنگ قبرهایی وجود دارد که روی آن‌ها کنار نام متوفی، شغل او و حتی در برخی از سنگ‌قبرها، نسبت متوفی را هم حکاکی کرده‌اند. این نقوش از زندگی ساده ساکنان قدیم این منطقه سرچشمه گرفته و مجموعه بی‌نظیری از هنر، معیشت و اعتقادات آنان خلق کرده است که توجه هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کند. برخی از نقوشی که بر سنگ‌قبرها حکاکی شده‌اند و مربوط به زندگی روزمره هستند و در این قبرستان‌ها موجود می‌باشد عبارت‌اند از: دوک، انواع شانه، ماکو، قیچی و ماسوره که معرف شغل زن بافنده است. دوک نشانه بانوان مادر و بافندگان سرنوشت است. (تصویر ۷)



تصویر ۷. نقش مربوط به شغل بافندگی، قبرستان الازمن فاضل‌آباد، بدون تاریخ (نگارنده)

چاقو شغل مرد قصاب را نشان می‌دهد. نقش تیر و کمان و اسلحه، مردان شکارگر را توصیف می‌کند و نقش شمشیر نماد اقتدار، شجاعت و جنگاوری، قدرت و هوشیاری و به گفته افراد منطقه، معرف حاکم یا خان منطقه بوده است. نقش دیگری که در برخی از قبرستان‌های استان قابل مشاهده است، نقش ترازو می‌باشد. ترازو نشانه داوری بویژه داوری روح پس از مرگ است که در هنرهای اقوام و فرهنگ‌های مختلف حضور دارد. (تصویر ۸)



تصویر ۸. نقش ترازو، قبرستان آق امام بندرترکمن، بدون تاریخ (نگارنده)

۳،۵. نقوش هندسی و انتزاعی

در سنگ‌قبرهای مورد بررسی، نقوشی که همگی در ادبیات، عرفان و فلسفه شرق مفاهیم معنوی ای را دربردارند از نظر تنوع به چند دسته اصلی نقوش هندسی و انتزاعی تقسیم می‌شوند. در دوران هنر اسلامی و نمود آن در نقوش سن قبرها، برای دوری از واقعیت مادی و نزدیکی به حقیقت الهی، نقوش از حالت طبیعی دور و به گونه‌ای تزئینی و تجریدی جلوه‌گر شد. نقوش هندسی همگی بر مبنای یک مرکزند، همه‌جا حاضرند و در هر مکان و زمانی تجلی می‌یابند و به صورت مشخصی مفهوم وحدت در کثرت و کثرت در وحدت را تداعی می‌کنند. این نقوش آنقدر از طبیعت دور شده‌اند تا بتوانند نمودار حرکت ازلی و ابدی خالق و مخلوق باشند؛ حرکتی که برای آن پایان و غایتی نمی‌توان تصور کرد.

تزئینات هندسی با شکل‌های متنوع، دست‌آویز مناسبی برای طراحان و حجاران سنگ‌قبرها بوده تا با خلاقیت خود، جلوه‌ای زیبا به سنگ قبرهای اسلامی ببخشند. تعداد نقوش هندسی و انتزاعی در این قبرستان‌ها بسیار است. سرلوحه، حاشیه‌ها و قاب بندی خطوط و دیواره‌های جانبی سنگ‌قبرها از جمله فضاهایی هستند که با این نقوش متنوع به شیوه‌های گود و برجسته حجاری و تزئین شده‌اند. در مطالعه سنگ‌قبرهای قبرستان‌های استان گلستان نقوش هندسی ویژه‌ای حکاکی شده است که عبارت‌اند از: دایره، مثلث، شش ضلعی، لوزی، خطوط موازی و زیگزاگ. این نقوش هندسی کلید رمز عناصر مهمی چون زندگی و رستاخیز پس از مرگ است. اقوام کهن این منطقه، علاوه بر بازنمایی طبیعت، به ماورای آن هم نظر داشته‌اند و برخی نقوش را با نگرش بنیادی و محوری نگریسته و از هر گونه عینیت‌پردازی پرهیز نموده‌اند. این شکل‌ها علاوه بر پیام اخلاقی، اغلب براساس دو شکل مثلث و دایره طراحی شده‌اند، و باورها و اعتقادات متأثر از ایرانیان باستان و اندیشه جمعی عامه در نقوش، به شکلی خلاقانه پدید آمده و اصالت یافته‌اند.

نقش هندسی دایره کامل‌ترین شکل بوده و در تمام دوره‌ها اهمیت تاریخی ویژه‌ای داشته است. دایره علاوه بر مفهوم کمال، نمادی از خلق جهان و نیز مفهوم زمان است. دایره نمادی از حرکت پیوسته و مدور آسمان است که با الوهیت نیز ارتباط دارد و همچنین به‌عنوان روح نیز معرفی شده است (پویان و خلیلی، ۱۳۸۹: ۱۰۶). (تصویر ۹)



تصویر ۹. نقش دایره، قبرستان امامزاده حبیب‌الله بندرگز، بدون تاریخ (نگارنده)

از دیگر نقوش به کار رفته، طرح محراب است که یا شکل اصلی قبرهاست و یا اینکه به عنوان کادرهای محرابی شکل بر روی سنگ قبرها نقش شده است. محراب در فرهنگ اسلامی، گاه به عنوان دروازه بهشت نیز آمده و در باور اسلامی، محراب محل تجلی خداوند است که نماد آن نور است. محراب حرکتی از زمین مادی به سوی ملکوت اعلی است. درگاه می‌تواند مرز دنیای قدسی و دنیای طبیعی و شیطانی باشد و همچنین نماد ارتباط دنیای مردگان و زندگان است و گشوده شدن آن، نشانه باز شدن درهای بهشتی است که روح با گذر از دنیای کفر و اهریمنی، وارد آن می‌شود (کوپر، ۱۳۹۲: ۷).

سنگ قبرهای محرابی شکل این قبرستان‌ها، دارای تصاویر نمادین ایرانی هستند که مفاهیم پیچیده زندگی، مرگ و رستاخیز را در خود نشان می‌دهند. محراب، چه قبل از اسلام و چه بعد از اسلام، دریچه‌ای روبه سوی خدا و حقیقت هستی تلقی می‌شده است و حک شدن این تصویر بر روی سنگ قبرها بی‌ربط نیست. سنگ قبرهای محرابی شکل دارای دو یا سه طاق نمای تودرتو با قوس‌های جناغی‌اند و حاشیه اول آن‌ها معمولاً دارای تزئینات گیاهی، حاشیه دوم دارای صلوات کبیر و گاهی حاشیه سوم شامل حدیث یا دعاست و متن وسط به نام متوفی و تاریخ وفات تعلق دارد و گاهی هم تزئینات فقط شامل نقوش هندسی می‌باشد. در برخی از سنگ قبرها از نقش نمادین قندیل نیز استفاده شده و در وسط آن کلمه «الله» نوشته شده است. (تصویر ۱۰)

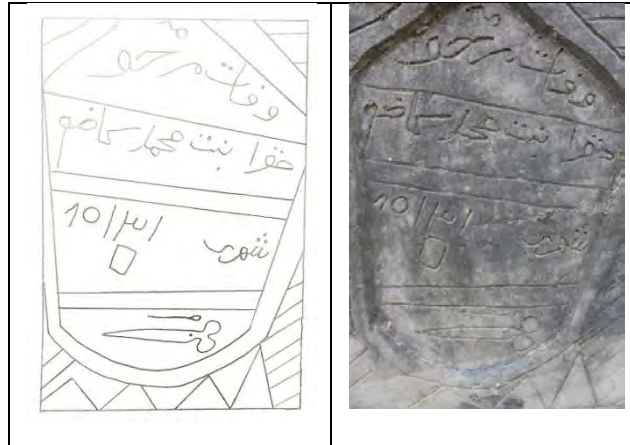


تصویر ۱۰. نقش محرابی، قبرستان امامزاده حبیب‌الله بندرگز، بدون تاریخ (نگارنده)

۳،۶. کتیبه نگاری

از زمانی که اسلام به‌عنوان دین اصلی انتخاب شد و مردم با عقیده و اختیار خود سر به فرمان آئین و آداب اسلامی گذاشتند، تغییرات کلی در وضعیت اجتماعی و هنری پیش آمد. از جمله مهم‌ترین عواملی که در روند هنر و به تبع آن نقوش تزئینی تأثیر زیادی به جای گذاشت، قرآن و خوشنویسی قرآن بود؛ چراکه کتاب آسمانی و کلام الهی با نوشتن آغاز شد. انتشار قرآن به زبان اصلی و فرمانروایی مطلق خط عربی، پیوندی به‌وجود آورد که تمامی دنیای اسلام را به هم مربوط ساخت و عامل مهمی در خلق اثر هنری گردید. با آغاز دوره اسلامی در ایران، خط عربی جایگزین خطوط نوشتاری قبل شد و به‌عنوان عامل ثبت کلام مقدس الهی از احترام، توجه و قداست فراوانی برخوردار شد و به همین دلیل هنرمندان مسلمان تلاش کردند جایگاه شایسته‌ای برای نگارش کلام الهی ایجاد نمایند. علاوه بر این، ممنوعیت نمایش نقوش انسانی و حیوانی در قرون اولیه اسلامی، انگیزه‌ای برای شکوفایی خلاقیت بیشتر هنرمندان در این زمینه شد و خط عربی در دست هنرمندان مسلمان به متنوع‌ترین و زیباترین صورت‌ها درآمد (السعید و پارمان، ۱۳۹۹: ۱۱۴). هنرمندان با استفاده از این آرایه‌ها و ذکر نام و نشانه‌ای الهی در آثار موجود، سعی در انتقال قداست و تعالی بخشیدن به آثار خود می‌نمودند و از آنجاست که محراب‌ها و سنگ قبرها واسطه ظاهری و نمادین بین انسان و نیروهای آسمانی و مقدس هستند. کتیبه‌ها در قبرستان‌ها، مساجد و مقبره‌ها به وفور یافت می‌شوند و علاوه بر نمایاندن ویژگی‌ها و پیوند تنگاتنگ بین معماری و خوشنویسی، اطلاعات تاریخی و فرهنگی گذشته را نیز در اختیارمان قرار می‌دهند (صداقت، ۱۳۸۴: ۷۸).

اکثر خطوط قبرهای استان گلستان به شیوه حجاری توکن یا توکار و گود برداری خطوط و نقوش اجرا شده است. گاهی خوشنویس و حجار یکی هستند اما اغلب این دو مجزا از هم بوده‌اند ولی هر دو در جهت خلق یک اثر معنوی-هنری تلاش می‌کردند تا حدی که جدایی حجار و خوشنویس اصلاً به چشم نمی‌آید. بی‌گمان خوشنویسی و حجاری خطوط قبرها در این قبرستان‌ها توسط افراد عادی با ذوق و قریحه مبتدی و سلیقه شخصی انجام می‌گرفت. اگر فقط از لحاظ اصول خوشنویسی به این خطوط نگریسته شود ناامیدکننده خواهد بود اما اگر به وجوه بصری آن‌ها توجه کنیم، نمونه‌های استادانه و بی‌بدیلی را شاهد خواهیم بود. هدف این خوشنویسان خودآموخته که اغلب خود، حجاری خطوطشان را برعهده داشته‌اند، عملی کردن تجارب درونی خود اما متفاوت با قواعد و اصول خوشنویسی بود. آن‌ها در طراحی قبرها سطح قبر را به قسمت‌های متناسب با نقش و خط تقسیم می‌کردند. اجرای یکدست و یکنواخت آن‌ها از لحاظ نقوش و خطوط بسیار منحصربه‌فرد است. تغییرات جسورانه و ساده‌دلانه آن‌ها در نگارش بی‌تکلف قبرها وقتی معلوم می‌شود که بدانیم گاه در نوشته‌هایشان مرتکب غلط‌های املایی نیز شده‌اند البته این موضوع از اهمیت کار آن‌ها نمی‌کاهد بلکه معرف صداقت نوشتاری آن‌هاست و همین امر آن‌ها را در ایجاد تغییرات ناخواسته خوشنویسی و حجاری قبرها راهنمایی کرده است. (تصویر ۱۱)



تصویر ۱۱. غلط املائی در نوشتار، قبرستان امامزاده حبیب الله بندرگز، ۱۱۳۱ ه.ق (نگارنده)

خطوط موجود می‌تواند شامل گزیده‌نویسی‌هایی نیز شود که خوشنویس و حجار تنها چند کلمه بسیار مختصر بر روی قبر نگاشته‌اند و یا بنابه دلایلی نامعلوم قسمتی از خط رها شده که در جای خود زیبایی بصری خاصی به وجود آورده است. فراوان‌نویسی نیز در برخی قبرها دیده می‌شود به اندازه‌ای که سنگ‌قبرها جای خالی کمی دارند و پر از نوشته‌اند و این حجم از نوشتار می‌تواند معرف شخصیت مذهبی و سیاسی و اشرافی متوفی بوده باشد. (تصویر ۱۲)



تصویر ۱۲. کتیبه نگاری با خط ثلث و نسخ، گرگان، سال ۱۰۹۳ ه.ق، محل نگهداری: موزه باستان‌شناسی گرگان (نگارنده)

۴. نشانه‌شناسی نقوش سنگ‌قبرهای زنان استان گلستان

سنگ‌قبرها و نقوش حک شده بر آن‌ها، هرکدام خلاصه‌ای از زندگی دنیوی و آرزوهای زندگی جاودانی صاحب قبر را به نمایش می‌گذارند که توسط هنرمندان بومی خلق شده‌اند. از مضامین نهفته در سنگ‌قبرهای این منطقه آنچه پیداست این است که نقوش هیچ‌گاه صرفاً جنبه تزئینی نداشته و دارای مفاهیم ویژه‌ای بوده‌اند که توسط هنرمندان حجار همان منطقه با الهام از طبیعت و زندگی ساده مردمان و فرهنگ و باور و اعتقاداتشان خلق شده است و آن را به شاهکاری بی‌مانند تبدیل کرده‌اند که نظر هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کند. این نقوش تجلی‌گاه اندیشه، ذوق و احساس مردمی است که در برخورد با تصاویر و نقوش، دارای ادراکی نمادین بوده و رابطه بین صورت و معنای نقش را

به‌خوبی می‌شناختند و براساس قراردادهای این نقوش را ترسیم کرده‌اند، که این همان چارچوب نشانه‌شناسی پیرس محسوب می‌شود. در تحلیل نقوش سنگ‌قبرهای زنان از دیدگاه نشانه‌شناسی پیرس، به بررسی نشانه‌ها و بیان مضمون آن‌ها و دریافت این مهم که برخی از نشانه‌ها در قبرستان‌ها متأثر از موقعیت جغرافیایی و باور و اعتقادات بومی منطقه ایجاد شده‌اند، پرداخته می‌شود. بسیاری از نشانه‌ها جزء نشانه‌های وضعی یا همان نشانه‌های نمادین هستند و نیاز به رمزگشایی دارند. در برخی از نقوش نمادین که مربوط به ابزار و اشیاء مشاغل بوده نشانه‌های نمادین، شمایی نیز می‌باشند. حکاکی نقوش نمادین سنگ‌قبرها با رویکرد بسیار ساده انگارانه، و فرم‌ها و نقوش بسیار ساده و ابتدایی هستند که آن‌ها را از یک سنگ قبر ساده خارج کرده و در رده‌ی یک اثر هنری قرار داده است. به‌طور کلی می‌توان این نقوش نمادین را به گروه‌های مختلفی همچون گیاهی، حیوانی، انسانی، هندسی، انتزاعی و نمادین، ابزار و وسایل تقسیم‌بندی کرد.

نقوش سنگ‌قبرها به‌واسطه‌ی این که جنبه‌ی مشابهت را بیشتر از جنبه‌های دیگر دارند و مشابه آنچه در واقعیت وجود دارد می‌باشد، بنابراین جزء نقوش شمایی-نمادین (تصویری-نمادین) هستند و دسته‌های دیگر تقسیم‌بندی پیرس کمی با نقوش سنگ‌قبرها دچار تناقض می‌شود. البته می‌توان این نقوش را زمانی که جنبه‌های تصویری آن رو به سوی نقوش ترکیبی می‌رود، نمادی-تصویری یا نمادی-شمایی نامید و حتی در بخش‌هایی کاملاً واژه‌ی نمادین را برای آن به‌کار برد. با توجه به وجود جنبه‌های قراردادی و قیاس آن با نقوش سنگ‌قبرها این نقوش در دو جنبه‌ی شمایی و نمادین حرکت دقیق‌تری دارد، خصوصاً وجه شمایی آن قوی‌تر است چون قرارداد موجود در این نقوش را باید مقوله‌ای اکتسابی تصور کرد؛ زیرا نمادهای موجود در این نقوش جنبه‌های قراردادی قوی دارند و در آن موفقیت کسب کرده‌اند. در نقوش شمایی مشابهت و حس مقایسه‌گری برقرار است.

در نقوش سنگ‌قبرها چون ویژگی شباهت حاکم است (بین مرجع و حامل نشانه یا دال و مدلول)، قرارداد در پایین‌ترین سطح قرار خواهد داشت؛ بنابراین نقوش بومی به‌واسطه‌ی کم بودن جنبه‌ی قرارداد در آن از نوع نشانه‌های اختیاری است. البته این مسئله را هم باید متذکر شد که در بسیاری از مواقع نشانه‌های شمایی سنگ‌قبرها در تکرار خود وجوهی از قرارداد را با خود به همراه دارند و این‌طور به نظر می‌رسد که این نقوش تکراری یا توسط یک هنرمند در دو یا چند قبرستان و سنگ‌قبر اجرا شده‌اند و یا کپی دقیق یک نقش جدید از نقشه‌ی قبلی توسط شخص دیگر است ولی آنچه بین این اشخاص اشتراک دارد، پذیرش نوعی قرارداد حاکم در این نقوش است.


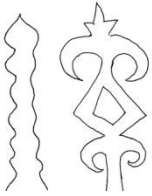
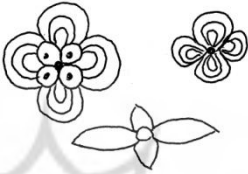



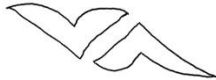
نقوش هندسی و انتزاعی، برگرفته از نگرش‌های عارفانه و صوفیانه هنرمندان و سنگ تراشان منطقه می‌باشد که ارزش‌های والایی از اعتقادات مذهبی و اسلامی را دربرگرفته است. نقوش تجریدی در سنگ‌قبرها همواره در شکل منظم و هماهنگ که از نقوش هندسی مثل دایره، مثلث، لوزی و نقوش اسلیمی و محرابی استفاده شده است. برخی از نقوش نمادین موجود در سنگ‌قبرها نیاز به رمزگشایی دارند و جزء نشانه‌های وضعی از دیدگاه پیرس می‌باشند؛ یعنی نشانه‌هایی که میان صورت و مفهوم آن همچنان رابطه همجواری و پیوستگی هست اما این رابطه قراردادی است

نه ذاتی و خو به خودی، و نیاز به آموزش دارد و به قصد ایجاد ارتباط است. نقوش نمادین که مربوط به ابزار و اشیاء و مشاغل می‌باشد از این نوع نشانه‌هاست؛ برای مثال معنای نمادین نقش قیچی، نمادی از مرگ و قطع رشته حیات است. استفاده از نقش اشیاء و وسایل در صورت بازنمایی جنسیت، نشانهٔ نمادین محسوب می‌شود؛ مانند استفاده از نقوش شمشیر، کارد و تبر که بیانگر این است که فرد متوفی مرد، و استفاده از ابزار بافندگی یا شانه قالیبافی اشاره به این دارد که فرد متوفی زن است و همچنین در نقش شانه به صورت دو طرفه برای خانم‌ها و شانه یک‌طرفه مخصوص آقایان علاوه بر شناسایی جنسیت متوفی در هر دو مورد به منظور آراستگی در پیش یزدان در روز رستاخیز نیز حکایت دارد و یا نقوشی مانند شانه و آینه را نشان پاکیزگی و آراستگی عنوان کرده‌اند و گلاب‌پاش، مهر و تسبیح را نشان از اعتقادات مذهبی فرد متوفی می‌دانند.

در مبحث نمایه‌ای نشانه‌شناسی پیرس، نمایه میان صورت و معنی‌اش رابطه استنتاجی برقرار می‌کند و دامنهٔ امکانات نمایه را خیلی گسترده‌تر می‌بیند و زمینه‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی را نیز در این امر دخیل می‌داند. در نقوش روی سنگ‌قبرها نیز مبحث نمایه‌ای نقوش وجود دارد که در آن‌ها استحاله صورت گرفته و به صورت اسطوره‌ای تبدیل و تغییر یافته است. استفاده از وسایل شغلی که حرفه متوفی را در دوران حیات نشان می‌دهد نشانهٔ نمایه‌ای محسوب می‌شود. بر روی سنگ قبر متعلق به زنان به نقش قیچی و ابزار مربوط به قالی‌بافی برخورد می‌شود که اگر به لحاظ نمایه‌ای به بررسی آن پرداخته شود ابتدا باید ریشهٔ فرهنگی و اجتماعی این نقوش مورد بررسی قرار بگیرد که ریشه اش به همان فرهنگ گذشتگان برمی‌گردد. زنان از زمان‌های بسیار قدیم حضوری پر رنگ در خانه و خانواده داشته و یکی از ارکان مهم اجتماع به‌شمار می‌رفته‌اند. این جنس هم به‌عنوان نقش مهم مادر وظیفه تربیت و اداره خانه را برعهده داشت و هم به‌عنوان همسر، دوشادوش مرد خود در تمامی فعالیت‌های بیرون از خانه نقش فعالی را ایفا می‌کرد و علاوه بر این هنر قالی‌بافی را نیز انجام می‌داد، و از همهٔ این موارد مهم‌تر نقش مهمی در بخش فرهنگی و اجتماعی منطقه داشت، به این صورت که با ثبت فرهنگ و محیط اطراف خود بر روی تار و پود قالی کمک زیادی به این عرصهٔ مهم اجتماعی می‌کرد که پس از گذشت سال‌ها، با مشاهدهٔ چنین آثاری از زنان، اطلاعات ارزشمندی از فرهنگ و آداب و رسوم، شرایط زندگی و اجتماعی نیاکان و اجدادشان می‌توان به‌دست آورد و برای آیندگان نیز به یادگار گذاشت؛ بنابراین ثبت چنین نقوشی بر روی سنگ‌قبرهای زنان اشاره مستقیمی به جایگاه و ریشهٔ فرهنگی و اجتماعی آنان در گذشته داشته است و به همین دلیل پس از فوت بانوی خانه، همسر و بستگان وی به نشانهٔ هنرمندی و کدبانوگری وی چنین نقشی را بر روی سنگ قبرش حکاکی می‌کردند. درحالی‌که اگر روی سنگ قبر یک مرد نقش قیچی کشیده شده باشد بیانگر این نکته است که مرد متوفی چوپان بوده که از قیچی برای چیدن پشم گوسفندان استفاده می‌کرده است. (جدول ۱)

جدول ۱. تحلیل نشانه‌های سنگ‌قبرهای استان گلستان (نگارنده)

ردیف	نقش	طرح نقش	وجه نشانگی	محتوای نشانه
۱	شانه		نمادین	نمادی از پاک‌ی و آراستگی و نشان دهنده جنسیت فرد متوفی که نقش شانه دو طرفه برای زنان بوده است.
۲	مهر و تسبیح		نمادین	بیانگر تقوی، ایمان و آرامش پس از مرگ و پاک بودن فرد متوفی است.
۳	ترازو		نمادین	نمادی از داوری روح پس از مرگ و همچنین نماد عدالت و قضاوت است.
۴	چراغ		نمادین	نمادی از نور و گرما می‌باشد.
۵	گلاب پاش		نمادین	نشانگر اعتقادات مذهبی فرد متوفی است.
۶	قیچی		نمادین- نمایه‌ای	نمادی از مرگ و قطع رشته حیات و همچنین بیانگر شغل بافندگی، آرایشگری و خیاطی فرد متوفی است.
۷	شانه بافندگی		نمایه‌ای	نشان از شغل قالیبافی فرد متوفی دارد.
۸	ماسوره		نمایه‌ای	نشان گردش عالم و وسعت جهان است و همچنین اشاره به جنسیت زن و شغل او دارد.

نماد باروری، پاکی و آتش مقدس و همچنین نماد لنگر کشتی‌های پهلو گرفته در ساحل دریای خزر است.	نمادین		گل انار	۹
نمادی از شاخ گاو یا شاخ گوسفند (قوچ) می‌باشد که در این منطقه بسیار ارزشمند است.	نمادین		درخت کاج یا سرو کوهی	۱۰
نشانی از بهشت یا تداعی گر بهشت پس از مرگ و یا مظهر زندگی جاودان پس از مرگ هستند. همچنین نمادی از خورشید و ستاره می‌باشند.	نمادین- شمایلی		گل	۱۱
نماد کلیت، کمال و تجلی نور الهی است.	نمادین		دایره	۱۲
نماد سفر روح پس از مرگ، نماد خورشید و ماه، مذکر و مؤنث بودن و رهایی از عالم پایین و رسیدن به جوهر باطنی است.	نمادین		خطوط زیگزاگی	۱۳
بیانگر محل عبادت، پنجره ای به سوی خدا و نماد دروازه بهشت است.	نمادین		محراب	۱۴
نماد روح فرد متوفی است که به دنبال منزلگاه ابدی خود می‌گردد.	نمادین		پرند	۱۵

نتیجه‌گیری

آنچه که در تحلیل و بررسی نقوش سنگ‌قبرهای استان گلستان از دیدگاه نشانه‌شناسی پیرس مشخص شد، این است که برخی از نقوش نیاز به رمزگشایی دارند و جزء نشانه‌های وضعی از دیدگاه پیرس می‌باشند یعنی نشانه‌هایی که میان

صورت و مفهوم آن، همچنان رابطه همجواری و پیوستگی وجود دارد اما این رابطه قراردادی است نه ذاتی و خود به خودی، و نیاز به آموزش دارد و به قصد ایجاد ارتباط است. برخی از نشانه‌های نمادین در قبرستان‌ها براساس موقعیت جغرافیایی و باورها و عقاید بومی منطقه و باتوجه به طبیعت منطقه و آداب و رسوم خاص حک شده‌اند و همچنین براساس طبقه‌بندی برخی نقوش به کار رفته در سنگ‌قبرها، هم جزء نشانه‌های شمایی و هم جزء نشانه‌های نمادین می‌باشند؛ از جمله شانه، قیچی، گلاب پاش، نقوش ابزار و اشیاء، که در برخی سنگ‌قبرها با چنان ظرافتی نقش شده‌اند که هم به ابزار شباهت کامل دارند و هم اینکه نماد شغل متوفی می‌باشند.

در نمونه سنگ‌قبرهای منتخب که متعلق به دوران اسلامی هستند نکته‌ای که وجود دارد این است که تعداد قبرهای متعلق به زنان نسبت به مردان کم‌تر و همچنین نقوش حکاکی شده بر روی این سنگ‌قبرها رابطه‌ای مستقیم با جایگاه فرد متوفی داشته‌اند؛ یعنی هرچه نقوش بیشتر، نشان‌دهنده این است که فرد متوفی جایگاه والاتری در جامعه داشته است. همچنین استفاده از ابزار و وسایل به‌عنوان نشانه جنسیتی در صورت اشاره به شغل نمایه‌ای و در صورت بازنمایی جنسیت، نشانه نمادین محسوب می‌شود. سنگ قبر تصویری از زنان ایران به‌عنوان نشانه شمایی یا وجود ندارد و یا اگر هم وجود داشته باشد تعداد آن‌ها بسیار اندک است. مسئله حذف نشانه‌های شمایی زنان در جامعه، به دلایل مذهبی و یا فرهنگی-اجتماعی بوده است. جایگزینی نشانه نمادین گل، شمع و یا شمعدان به‌جای نشانه شمایی متوفی، به تدریج پذیرفته و به یک پیش‌فرض فرهنگی تبدیل شد. قابل ذکر است که استفاده از تصویر، امروزه یک امر سلیقه‌ای است. می‌توان گفت استفاده از تصویر، صرفاً برای بازماندگان و زنده نگه داشتن یاد متوفی کاربرد داشته است که برخی، از نشانه‌های نمایه‌ای یا نمادین استفاده می‌کنند؛ اما مسئله این است که جامعه نباید به اجبار یا به دلیل امر عرفی، نشانه نمایه‌ای و نمادین را جایگزین نشانه شمایی کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مآخذ:

کتابها

- احمدی، بابک. (۱۴۰۰). از نشانه‌های تصویری تا متن: به سوی نشانه‌شناسی ارتباط دیداری؛ چاپ نوزدهم، تهران، مرکز.
- تناولی، پرویز. (۱۳۸۸). سنگ قبر. چاپ اول، تهران: انتشارات بن گاه.
- چندلر، دانیل. (۱۴۰۰). مبانی نشانه‌شناسی. مترجم: مهدی پارسا، چاپ هفتم، تهران: سوره مهر.
- دینه سن، آنه ماری. (۱۳۹۰). درآمدی بر نشانه‌شناسی. مترجم: مظفر قهرمان، چاپ چهارم، تهران: پرسش.
- سبحانی، سید جعفر. (۱۳۹۳). فرهنگ لغات و اصطلاحات عرفانی. چاپ دهم، تهران: طهوری.
- سجودی، فرزانه. (۱۳۹۸). نشانه‌شناسی کاربردی؛ چاپ ششم، تهران: علم.
- السعید، عصام، و عایشه، پارمان. (۱۳۹۹). نقش‌های هندسی در هنر اسلامی. مترجم: مسعود رجب‌نیا، چاپ هفتم، تهران: انتشارات سروش.
- شوالیه، ژان، و آلن گبران. (۱۴۰۰). فرهنگ نمادها. مترجم: سودابه فضائلی، چاپ پنجم، تهران: کتابسرای نیک.
- ضیمران، محمد. (۱۳۸۳). درآمدی بر نشانه‌شناسی هنر. چاپ دوم، تهران: نشر قصه.
- کوپر، جی. سی. (۱۳۹۲). فرهنگ مصور نمادهای سنتی. مترجم: ملیحه کرباسیان، چاپ دوم، تهران: انتشارات فرشاد.
- معطوفی، اسدالله. (۱۳۸۷). سنگ مزارها و کتیبه‌های تاریخی گرگان و استرآباد. چاپ اول، تهران: حروفیه.
- مهرگان، آروین. (۱۳۸۵). دیالکتیک نمادها: پژوهشی در ساخت‌گریزی ذهن. چاپ دوم، اصفهان: فردا.
- هال، جیمز. (۱۳۹۸). فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب. مترجم: رقیه بهزادی، چاپ هشتم، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.

مقالات

- پویان، جواد و خلیلی، مژگان. (۱۳۸۹). «نشانه‌شناسی نقوش سنگ‌قبرهای دارالسلام». کتاب ماه هنر، ش ۱۴۴، ۱۰۷-۹۸.
- صداقت، معصومه. (۱۳۸۴)، «مضامین مذهبی در خط‌نگاره‌های سنگ مزارها و محراب‌های موزه ملی»، مطالعات هنر اسلامی، ش ۳، ۹۶-۷۷.
- صفی‌خانی، نینا، احمدپناه، سید ابوتراب و خدادادی، علی. (۱۳۹۳). «نشانه‌شناسی نقوش سنگ قبور قبرستان تخت فولاد اصفهان (با تأکید بر نقوش حیوانی شیر و ماهی)»، هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی، دوره ۱۹، ش ۴، ۶۷-۷۶.